

سید مرتضی آوینی

حقیقت

گفتار متن یک مجموعه‌ی مستند

چهارم
۳۳

فهرست نویسی پیش از انتشار کتابخانه‌ی ملی جمهوری اسلامی ایران

سرشناسه:	آوینی، سیدمرتضی. ۱۳۷۲-۱۳۳۶.
عنوان و نام پدیدآور:	حقیقت: گفتار متن مجموعه‌ی مستند / سیدمرتضی آوینی.
مشخصات نشر:	ویراستار: محمدرضا ابوالحسنی.
مشخصات ظاهری:	تهران: واحد، ۱۳۹۷
شابک:	۱۳۲ ص. رقی. مصور.
وضعیت فهرست نویسی:	۶-۰۰-۶۲۲۲-۶۲۲-۹۷۸ ISBN
موضوع:	فیما
موضوع:	نمایه
موضوع:	حقیقت، برنامه‌ی تلویزیونی. ایران و عراق، ۱۳۳۷-۱۳۵۹. سینما
موضوع:	HAGHIGHAT: TELEVISION PROGRAM
موضوع:	تلویزیون -- ایران -- برنامه‌های مستند.
موضوع:	DOCUMENTARY TELEVISION PROGRAMS -- IRAN
موضوع:	جنگ ایران و عراق ۱۳۳۷-۱۳۵۹. خرمشهر -- خاطرات.
موضوع:	IRAN-IRAQ WAR, 1980-1988--KHORRAMSHAHR-DIARIES
رده‌بندی:	۱۳۹۷ ج ۷۱۸ PN۱۹۹۲/۷۷
رده‌بندی دیویدی:	۷۹۱ / ۴۵۷۲
شماره‌ی کتابخانه ملی:	۵۴۷۴۰۶

عکس روی جلد: سیدمرتضی آوینی و حامد تدوین مستند «و این است فتح الفتوح».

واحه
نشر و احه

• حقیقت؛ گفتار متن یک مجموعه‌ی مستند

سیدمرتضی آوینی

• نوبت چاپ: اول، زمستان ۱۳۹۷ • شمارگان: ۱۵۰۰ نسخه • قیمت: ۶۰۰۰ ریال

• مدیر هنری و طراح گرافیک: پرویز بیانی • مدیر تولید: داریوش دلاور

• ویراستار: محمدرضا ابوالحسنی • ناظر چاپ: حمید علی محمدی

• شابک: ۶-۰۰-۶۲۲۲-۶۲۲-۹۷۸ • لیتوگرافی: کوثر • چاپ: پایدار

• مرکز پخش: ۸۸۸۱۰۵۱۲، ۰۹۱۹۲۲۴۴۱۸۲، تهران، خیابان مفتاح جنوبی، خیابان

ورزنده، پلاک ۱۶، واحد ۶ • تلفکس: ۸۸۳۲۱۸۲۳

تمام حقوق محفوظ و متعلق به نشر واحه است.

۱۱ مقدمه / ۱۲ قسمت اول: ثارالله (به یاد رضا دشتی) / ۳۹ قسمت سوم: پای صحبت بهروز / ۵۵ قسمت چهارم: شهید زمان (برای رضا موسوی و ابوالشکر) / ۷۷ قسمت هفتم: عملیات امام مهدی / ۹۳ قسمت دهم: فلاح، سوختن، شهر عاشقان شهادت / ۱۱۱ قسمت یازدهم: و این است فتح فتوح / ۱۲۷ تعابیر، تشبیه‌ها، استعارات / ۱۲۹ اعلام

یادداشت ناشر

نوشته‌های شهید آوینی پس از شهادت ایشان، ابتدا به صورت پراکنده و محدود توسط «کانون فرهنگی هنری ارگرا» به چاپ رسید، سپس «نشر ساقی» مجموعه‌ی آثار را در ۱۲ عنوان چاپ و منتشر کرد، و این پس از این مجموعه در «انتشارات واحد» و زیر نظر خانواده‌ی آن شهید به چاپ می‌رسد تا به یاری ناشران دیگر در دسترس علاقه‌مندان قرار گیرد.

به استثنای سه کتاب «فتح خون»، «فر دامن» و «آینه‌ی جادو» که شهید آوینی، خود در زمان حیات، مقالاتش را انتخاب و تدوین کرد، باقی آثار ایشان، در واقع جمع‌آوری مقالاتی پراکنده در نشریات گوناگون است که بنا به تخیل و سلیقه‌ی ناشرین مختلف دسته‌بندی و منتشر شده است. اگر خود ایشان هنوز در میان بود، شاید این کتاب‌ها هرگز منتشر نمی‌شد یا به شکل دیگری تنظیم می‌شد. به هر جهت، غیر از سه کتاب مورد اشاره، آنچه منتشر شده و می‌شود «کتاب»های شهید آوینی محسوب نمی‌شوند، بلکه مجموعه‌ی آثار شهید آوینی است. این به حساب می‌آیند که در دوره‌های مختلف زمانی و به منظور چاپ در مطبوعات همان ایام و روزگار تدارک دیده بودند و نه به منظور تبدیل به یک کتاب که اثر ماندگار است. این نکته‌ای است که بهتر است خواننده‌ی محترم این کتاب‌ها از ابتدا در نظر بگیرد و توجه داشته باشد که با کتاب‌هایی «گردآوری شده» مواجه است، نه کتاب‌هایی «تألیفی» به معنای متعارف.



کتاب حاضر که برای اولین بار به چاپ می‌رسد، دربردارنده‌ی گفتار متن شش قسمت از مستند تلویزیونی یازده‌قسمتی «حقیقت» است که شهید آوینی در فاصله‌ی آبان ماه ۱۳۵۹ تا دی ماه ۱۳۶۰ با گروه همکارانش ساخته و یا صرفاً متن آن‌ها را نوشته است. پنج برنامه‌ی باقی‌مانده در آرشیو تلویزیون مفقود شده‌اند. این مجموعه عمدتاً به ماجراهای اولین ماه‌های جنگ تحمیلی می‌پردازد، زمانی که خرمشهر در دست دشمن بود و جوانان شهر و رزمندگان سپاه پی‌آن‌که از جانب بنی‌صدر و بعضی مسئولین دیگر حمایت شوند، غربانه جنگیدند و مظلومانه شهید شدند. در این مستندها شهید آوینی، گاه به عنوان یکی از اعضای گروه تهیه‌کننده و گاه در مقام خبرنگار، حضوری محسوس دارد.

دست‌نویست این کتاب، موجود نبوده، و متن‌ها از نوار پیاده شده و سپس تنظیم و ویرایش شده‌اند. ویرایش‌ها علاوه بر نوشتن مقدمه، در شرح دقیق صحنه‌ها و شناسایی افراد و مکان‌ها کمک شایانی کرده‌اند و به این ترتیب کتاب تا حد امکان به یک اثر تاریخی قابل استناد در مورد مقطعی جان‌گداز از ابتداء جنگ تحمیلی نزدیک شده است.

مقدمه

مجموعه‌ی یازده قسمتی «حقیقت» که کتاب حاضر دربرگیرنده‌ی گفتار متن آن‌هاست، طی مدتی بیش از یک سال، یعنی از آبان ۱۳۵۹ که بخش غربی خرمشهر به تصرف ارتش عراق درآمد تا دی ماه ۱۳۶۰ که عملیات طریق‌القدس به پایان رسید ساخته شده است. «اوین قسمت‌های مختلف این مجموعه چنین است: ۱. «ثارالله» (به یاد شهید رضا شریعتی)، ۲. «آن‌ها غریبانه جنگیدند و مظلومانه شهید شدند»، ۳. «پای صحبت بهروز»، ۴. «شهر زمان» (برای رضا موسوی و یارانش)، ۵. «دست‌ها و دل‌ها»، ۶. «بچه‌های هرگز»، ۷. «عملیات امام مهدی»، ۸. «مادر»، ۹. «دزفول»، ۱۰. «فلاح» (سوسنگرد، شهر ناشناخته شهادت)، و ۱۱. «و این است فتح‌الفتوح».

از این یازده برنامه، متن تنها شش برنامه که در آرشیو تلویزیون موجود بوده در این کتاب آمده و برنامه‌های دوم، پنجم، ششم، هشتم و نهم هم‌چنان مفقودند. در این بین، قسمت‌های اول تا چهارم مجموعه، به مقاومت خرمشهر

اختصاص دارد که گفتار متن سه برنامه‌ی آن در کتاب حاضر آمده است. تصاویر آرشیوی این برنامه‌ها دو بخش است: بخشی مربوط به مقاومت سی و چهار روزه‌ی خرمشهر و مقاومت مدافعان مردمی آن است که ظاهراً پیش از سقوط خرمشهر فیلم‌برداری شده و بعید نیست بخش‌هایی از مجموعه‌ی سه‌قسمتی «فتح خون» باشد که شهید آوینی در اثنای مقاومت سی و چهار روزه‌ی خرمشهر ساخته است. اما بخش دیگر مربوط به مدت کوتاهی پس از آن، یعنی زمانی است که بخش غربی خرمشهر به اشغال ارتش متجاوز عراق درآمده و پاسداران - ران - شهر در این سوی رودخانه‌ی اروند و در محله‌هایی مثل مهرزی که به تصرف دشمن درنیامده، عملیات‌های گشت و شناسایی خود را با عبور از رودخانه، اروند رفتن به بخش اشغالی شهر سامان می‌دهند. شهید رضا دشتی در بازگشت از یکی از همین سلسله عملیات‌های شناسایی، روی رودخانه‌ی اروند هدف قرار گرفت و به شهادت رسید. از این رو نامیدن قسمت اول مجموعه به نام او اندک عجیب نیست. هم‌چنان که قسمت چهارم مجموعه نیز به نام رضا موسوی، فرمانده سپاه خرمشهر بعد از شهادت سیدمحمدعلی جهان‌آرا مزین است که اندکی پیش از آزادی خرمشهر در سوم خرداد ۱۳۶۱ به شهادت رسید و آزادی شهرش را نزد بخش‌های تولیدی این چهار برنامه، از جمله مصاحبه با رضا موسوی و بارانش هم اغلب در آبادان تحت محاصره فیلم‌برداری شده است.

از قسمت‌های پنجم و ششم مجموعه، اثری در دست نیست. قسمت هفتم مجموعه درباره‌ی عملیات امام مهدی (عج) است؛ اولین عملیات مؤثر رزمندگان پاسدار سپاه در اولین ماه‌های جنگ تحمیلی. شهرت این عملیات نه به دلیل بزرگی و گستردگی، که مدیون شیوه‌ی نامعمول و غیرکلاسیک آن است. طوری که بعد از سه شکست متوالی بنی‌صدر در عملیات‌هایی که برای آزادی مناطق اشغالی خاک ایران طرح‌ریزی و اجرا کرده بود، رزمندگان پاسدار توانستند با

حفر تونل تا نزدیکی یگان تانک دشمن و نزدیک شدن به معنی‌ها، آن‌ها را غافل گیر کنند و برای اولین بار در طول شش ماهه‌ی اول جنگ، طعم شیرین پیروزی در یک عملیات را بچشند. این عملیات در روز ۲۶ اسفند ۱۳۵۹ در نزدیکی سوسنگرد صورت گرفت و تصاویر آن تنها اسناد تصویری موجود از این عملیات‌اند.

قسمت‌های هفتم و نهم این مجموعه هم مفقودند. برنامه‌ی دهم یعنی «فلاح»، وقایع نگاری مستند سفری است که گروه فیلم‌برداری به همراه جمعی از رزمندگان، در اردید از یک اردوی جهادی در شهر سوسنگرد و اطراف آن داشته‌اند و مخاطاب با دیدن تصویر آن با بخشی از مناطق مختلف عملیاتی اطراف شهر سوسنگر که آن روزها صحنه‌ی نبرد با ارتش بعث بوده آشنا می‌شود.

آخرین قسمت از این مجموعه با عنوان «و این است فتح‌الفتوح» ظاهراً به قصد پوشش تصویری بخشی از عملیات طریق‌القدس در آذر ۱۳۶۰ فیلم‌برداری شده که به آزادی بستان می‌انجامد. اما در اثنای فیلم‌برداری از عملیات، علی طالبی، فیلم‌بردار گروه در منطقه‌ی ده‌اویه هدف گلوله‌ی دشمن قرار می‌گیرد و به شهادت می‌رسد. این چنین، شهید آوینی، کارگردان مجموعه سعی می‌کند تا با حفظ پس‌زمینه‌ی عملیات، به موضوع شهادت او که اولین شهید اکیپ فیلم‌سازی جهاد سازندگی است پردازد و سار و جملای «حقیقت» را به اتمام برساند. اگرچه - چنان که از نوشته‌های شهید آوینی پیداست - او فیلم مستقلی نیز با موضوع شهادت علی طالبی ساخته که در واقع قسمت دوم از مجموعه‌ی «مزد جهاد، شهادت» درباره‌ی شهدای جهاد سازندگی است که به معنای ساخت مجموعه‌ی حقیقت تولید و پخش شده است.



و اما: مجموعه‌ی «حقیقت» در واقع چهارمین مجموعه‌ی مستندی است که شهید سیدمرتضی آوینی از آغاز فعالیت فیلم‌سازی‌اش در سال ۱۳۵۸ ساخته

است. تا پیش از آن، او و گروهش سه مجموعه^۱ و چهار تک‌برنامه‌ی مستند^۲ هم ساخته‌اند. اما خودش می‌گوید قالب کارشان را چه در فیلم‌برداری، چه در مونتاژ و چه در روابط اجرایی مربوط به پروسه‌ی تولید فیلم در «خان‌گزیده‌ها» پیدا کرده‌اند. اغلب آثار اولیه‌ی شهید آوینی از جمله خود مجموعه‌ی «خان‌گزیده‌ها» در آرشیو تلویزیون مفقود شده است. بنابراین راهی برای مقایسه‌ی این آثار، که به گزافی خورد او قالب برگزیده برای مستندهای بعدی‌اش بوده‌اند، با آن مستندها وجود ندارد. تأسف‌بارتر این که حتی از مجموعه‌ی «فتح خون» هم که بعد از «خان‌گزیده‌ها» ساخته شده اثری در دست نیست. از این رو، جز اندک توضیحی که خود شهید بعد از دیدن دوباره‌ی این دو مجموعه داده، چیز زیادی درباره‌ی این آثار نمی‌دانیم. اینک آن‌ها را مرور می‌کنیم:

وقتی به خرمشهر رسیدم هنوز خونین‌شهر نشده بود. شهر هنوز سر پا بود، اگر چه دشمن خود را نا پشت «صد دستگاه» جلو کشیده بود. یک دوربین «مینی اکلر» داشتیم و یک صدا ضبط می‌کردیم و خرت‌وپرت‌های دیگری که این مجموعه را کامل می‌کرد. هم کارگردان و هم صدابردار، خود من بودم و جز فیلم‌بردار فقط یک نفر دیگر همراه ما بود؛ شهید غلام‌عباس ملک‌مکان، شیرمردی از روستای «قاسم‌الملک» شیراز که هم رانندگی می‌کرد و هم محافظ مسلح گروه فیلم‌برداری بود، آن هم با یک تفنگ ام - یک! بعدها راه غلام‌عباس از ما جدا شد. در چه تا آخر دوست یکدیگر باقی ماندیم. او کار فیلم‌سازی را رها کرد و به گدازان‌های رزمی پیوست و بعدها در آبادان شهید شد. چهره‌ای هم چون من داشت،

۱. این مجموعه‌ها از این قرارند: «خان‌گزیده‌ها» (شش برنامه) درباره‌ی غائله‌ی ناصر و خسروخان قشقایی در شیراز، «گمگشته‌های دیار فراموشی» (شش برنامه) درباره‌ی مردمان محروم بشارگرد، و «فتح خون» (سه برنامه) درباره‌ی نبرد شهری پیش از سقوط خرمشهر.
 ۲. «سبیل خوزستان» در سال ۵۸، «شش روز در ترکمن صحرا» درباره‌ی واقعه‌ی خلق ترکمن در گنبد قابوس، یک برنامه درباره‌ی تجاوزهای مرزی عراق قبل از آغاز رسمی جنگ، و بالاخره «هفت قصه از بلوچستان» شامل هفت قسمت درباره‌ی مردم محروم جنوب بلوچستان.

محکم و استخوانی و بسیار قدرتمند، اما با یال و کوپالی نه چندان بلند. دلش هم دل شیر بود. از رزم‌آورانی بود که داوطلبانه در جنگ فیروزآباد به سپاه پاسداران ملحق شده بود. در همین غائله بود که ما با یکدیگر آشنا شدیم؛ از زمان فیلم‌برداری مجموعه‌ی مستند «خان‌گزیده‌ها» که در آباده، جهرم، شیراز و فیروزآباد و روستاهای اطراف این شهرها فیلم‌برداری می‌شد. فیروزآباد در محاصره‌ی عشایری یاغی بود که برای ناصر خان و خسرو خان قشقایی می‌جنگیدند. بنی صدر نیز، هر چند نه در ظاهر، جانب قشقایی‌ها را فرو نمی‌گذاشت. ما به همراه غلام عباس و مکتب ملقه‌ی محاصره را قطع کردیم و خود را به فیروزآباد رساندیم و در آنجا در کنار بچه‌های سپاه پاسداران و رزم‌آوران مردمی، از آن درگیری فیلم برداری کردیم. فیلم‌ها «ریورسال» بود و به احتمال قریب به یقین، دیگرمی توان اثری از آن‌ها در آرشیو تلویزیون پیدا کرد. در همین مجموعه بود که ما قالب کار خویش را پیدا کردیم؛ چه در فیلم‌برداری، چه در مونتاژ. همه در روابط اجرایی مربوط به پروسه‌ی تولید فیلم، «حقیقت» و «روایت فتح» از لحاظ ساختار بر تجربیاتی که ما در «خان‌گزیده‌ها» داشتیم بنا شدند. دم است که در هنگام فیلم‌برداری مجموعه‌ی «خان‌گزیده‌ها» در روستاهای آباده یکی دو روز با دوربین در کوچه‌ها و مجامع ظاهر می‌شدیم تا مردم به ریل عادت کنند و وقتی دوربین به سوی آن‌ها می‌چرخد، دستپاچه نشوند و وضعیت‌های طبیعی خود را رها نکنند. ساعت‌ها بی‌آن‌که فیلم بگیریم با مردم سخن می‌گفتیم و فقط آن‌گاه که حضور دوربین را فراموش می‌کردند، کلید می‌زدیم. صحنه‌ای را به یاد دارم که زنان و مردان دور گروه ما حلقه زده بودند و از مظالمی که خوانین بر آنان روا داشته بودند، سخن می‌گفتند. یکایک پیش می‌آمدند و رو به دوربین سخن می‌گفتند، فریاد می‌زدند،

می‌گریستند. دوربین می‌چرخید و به دیگری نزدیک می‌شد و او هم به‌فریاد از رنج‌هایی که کشیده بود گلیه می‌کرد. اشک‌های فیلم‌بردار از زیر ویزور فرو می‌چکید، صدابردار هم چنان که میکروفن را به سوی مردم گرفته بود می‌گریست. غلام عباس ملک‌مکان، که طاق از کف داده بود، به کنار یک دیوار کاهگلی پناه برده بود و بر سر خود می‌زد. من هم گریه می‌کردم... و صحنه هم چنان جریان داشت.

[...] پس از سقوط خرمشهر، گروهی خبری از شبکه‌ی یک به آبادان رفت، با وادادپرداری آقای آذری و گزارش‌گری آقای گل‌محمدی... فیلم‌سازی که این‌ها می‌فرستادند گویا ریورسال بود و اصلاً گروه‌های خبری هم بار رسالت کار می‌کردند؛ ویدئو زیاد معمول نبود. گزارش‌های این گروه اگرچه رفاقت کلیشه‌ای معمول خبری ارائه می‌شد، اما به علت تازگی و بداعت، بسیار جذاب بود. وقتی ما برای ساختن اولین قسمت مجموعه‌ی «حقیقت» - آبادان - که در محاصره بود - رفته بودیم، گروه خبری دیگری نیز از تلویزیون آبادان در آن‌جا کار می‌کرد که بعدها گزارش‌گر آن‌ها که گویا نامش مصطفایی بود، شهید شد. واحد جنگ شبکه‌ی یک کم‌کم دایره‌ی سخن می‌گرفت. اولین کار آن‌ها که مستند بسیار زیبایی به نام «خرمشهر، شهر عشق» بود ساخته شد و خیلی سرو صدا کرد. این فیلم را آقای بهادری فیلم‌برداری کرده بود که نمی‌دانم الان در کجاست و چه می‌کند. من خیلی واحد جنگ برادرمان آقای حسین حقیقی بود که گویا خودش از دانش‌جویی بود که پیش از شروع جنگ در آبادان درس می‌خواندند. اگر ایشان در تلویزیون باقی می‌ماندند، شاید گروه دیگری نیز در تلویزیون پا می‌گرفت که به شیوه‌ی ما فیلم می‌ساخت. نام اولین برنامه‌های روتین که درباره‌ی جنگ در تلویزیون پخش می‌شد «ایران در جنگ» بود.